



دوره آموزشی 22 درس
درس 11. تدریس کتاب مقدس درباره زندگی و مرگ - بخش اول
مطالعه هفتگی
پیدایش 36-38، یعقوب 4-5
آیاتی برای مطالعه
مزامیر 49، پیدایش 2

CBM22-11

Bible teaching about Life and Death -1

WEEKLY READINGS

Genesis 36 - 38, James 4 – 5

READING FOR STUDY PAPER

Psalms 49, Genesis 2

We all are ageing

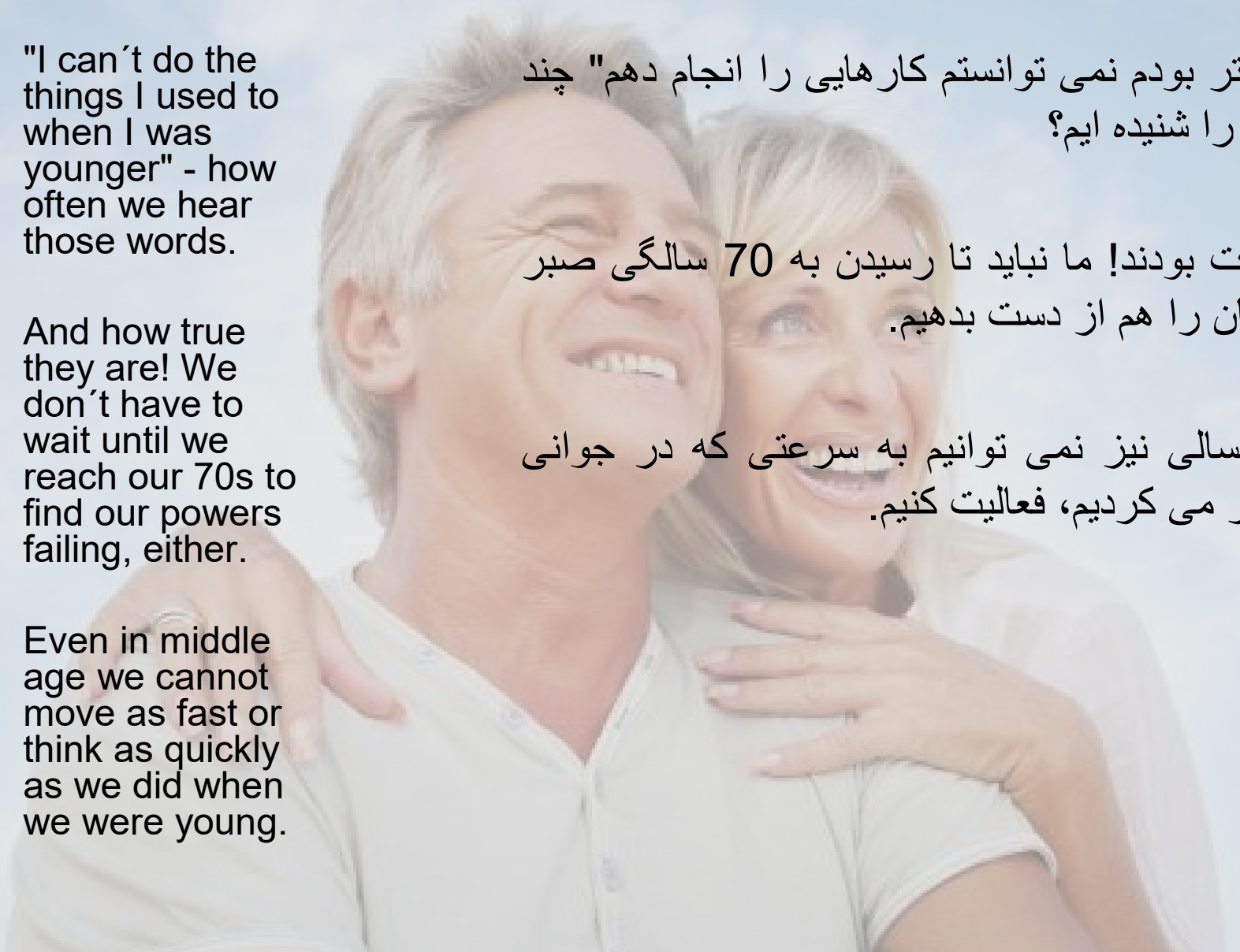
- "I can't do the things I used to when I was younger" - how often we hear those words.
- And how true they are! We don't have to wait until we reach our 70s to find our powers failing, either.
- Even in middle age we cannot move as fast or think as quickly as we did when we were young.

همه ما پیر می شویم

"وقتی کوچکتر بودم نمی توانستم کارهایی را انجام دهم" چند بار این جمله را شنیده ایم؟

و چقدر درست بودند! ما نباید تا رسیدن به 70 سالگی صبر کنیم تا قدرتمان را هم از دست بدهیم.

حتی در میانسالی نیز نمی توانیم به سرعتی که در جوانی حرکت یا فکر می کردیم، فعالیت کنیم.



Older every day

هر روز پیرتر

- We spend our life growing old, and we know for a certainty - if we stop to think about it - that one day we shall die.
- The words of the Psalmist are true when he says, "The days of our years are threescore years and ten; and if by reason of strength they be fourscore years, yet is their strength labour and sorrow; for it is soon cut off, and we fly away"(Psalm 90, verse 10).
- All men die. It has been truly said that the only certain thing about living is that one day we shall die.
- زندگی ما در مسیر پیر شدن سپری می شود و ما قطعاً می دانیم که روزی باید بمیریم، حتی اگر نخواهیم به آن فکر کنیم.
- کلمات نویسنده مزامیر حقیقت دارند وقتی که می گوید: "عمر ما هفتاد سال است و اگر قوی باشیم، شاید به هشتاد سال برسد. ولی در طول این مدت چیزی جز درد و رنج نصیب ما نمی شود. هر آن ممکن است عمرمان بسرآید و به عالم دیگر پرواز کنیم " (مزمور 90، آیه 10).
- همه انسانها می میرند. حقیقت است که تنها امر مُسَلَّم درباره زندگی، این است که روزی باید بمیریم.

The first man on the earth

اولین انسان روی زمین

- Why is it that we all grow old and die? To find the answer we must turn to the first book of the Bible, and read about the very first man and woman.
 - God made the world as a very lovely place for men and women to live in. He created the plants and animals first, and then, when all was ready, He made a man. It tells us in Genesis, chapter 2, verse 7 that, "The Lord God formed man of the dust of the ground."
- چرا اینطور است که ما همه پیر می شویم و بعد می میریم؟ برای دانستن جواب، باید به اولین فصل کتاب مقدس رجوع کنیم، و دربارهٔ اولین مرد و زن روی زمین بخوانیم.
 - خدا جهان را بصورت مکانی بسیار زیبا و دلپذیر برای زندگی مرد و زن آفرید. او ابتدا گیاهان و حیوانات را خلق کرد و سپس وقتی که همه چیز آماده شد، او مرد را آفرید. در پیدایش، باب 2، آیه 7 می گوید که: "آنگاه خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت."

Dust + Breath = Living being

خاک + نفس = موجود زنده

- With wonderful skill a human body was formed. We can picture that lifeless body lying on the ground. What happened next?
- God "breathed into his nostrils the breath of life; and man became a living soul" (Genesis, chapter 2, verse 7).
- The man began to breathe. He was alive! He could see, and hear, and think and feel - surely he was the most wonderful of the things which God had made.

بدن انسان، با مهارت شگفت انگیزی شکل گرفت. می توانیم یک جسم بی جان را تصور کنیم که بر روی زمین افتاده است. بعد چه اتفاقی افتاد؟

خدا "در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد" (پیدایش، باب 2، آیه 7).

انسان شروع به نفس کشیدن کرد. او زنده بود! او می توانست ببیند، بشنود، فکر کند و احساس کند. مطمئناً او شگفت انگیزترین چیزی بود که خدا خلق کرده بود.

Adam is lonely

آدم تنهاست

- Genesis, chapter 2, verse 8, "The Lord God planted a garden eastward in Eden; and there He put the man whom He had formed."

- Adam - for that was the name which God gave to this man - looked after the garden. He was told by God that he could eat any of the fruit he likes - except for one tree, which is called "the tree of the knowledge of good and evil".

- God warned him, "In the day that thou eatest thereof thou shalt surely die" (Genesis, chapter 2, verse 17).

• پیدایش، باب 2، آیه 8: "پس از آن، خداوند در سرزمین عدن، واقع در شرق، باغی به وجود آورد و آدمی را که آفریده بود در آن باغ گذاشت"

• آدم (اسمی که خدا برای اولین انسان معین کرده بود) در باغ می گشت. از جانب خدا به او گفته شده بود که او می تواند از هر نوع میوه ای که دوست دارد بخورد، بجز از یک درخت، که "درخت شناخت نیک و بد" نامیده می شد...

• خدا به او اخطار داد: "اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش خواهی مرد" (پیدایش باب 2، آیه 17).

God made woman

خدا زن را خلق کرد

- Adam had only the animals for company; and they couldn't think in the same way as he could.
- He became lonely, and God said, "It is not good that the man should be alone; I will make him an help meet for him" (Genesis, chapter 2, verse 18).
- In Genesis 2:21-23 God put Adam to sleep, took one of his ribs, and shaped it into a woman - someone to be with Adam and share his life.
- آدم تنها حیوانات را برای مصاحبت داشت و آنها نمی توانستند آنطور که او می تواند فکر کنند.
- او تنها شد، و خدا فرمود: "شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود آورم" (پیدایش باب 2، آیه 18).
- در پیدایش باب 2 آیات 21 تا 23 خواهید خواند که چگونه خدا آدم را به خواب برد و یکی از دنده های او را گرفت، و آنرا به شکل یک زن تبدیل کرد. کسی که با آدم باشد و در زندگی او شریک شود.

**Adam and Eve broke
God's law**

آدم و حوا فرمان خدا را زیر پا گذاشتند

- Now read Genesis, chapter 3, verses 1-13 and you will see how the first woman, Eve, broke God's law by listening to the serpent, and how Adam also disobeyed God.

• حالا پیدایش، باب 3، آیه 1-13 را بخوانید و ببینید که چگونه اولین زن یعنی حوا، فرمان خدا را با گوش دادن به حرف مار، زیر پا گذاشت و چگونه آدم از فرمان خدا سرپیچی کرد.

You will surely die

مطمئن باش خواهی مُرد

- By breaking God's law they had sinned; and as we have already seen, the wages of sin is death.

- با سرپیچی از فرمان خدا، آنها مرتکب گناه شدند، و همانطور که از قبل دیدیم، مزد گناه، مرگ است.

- آدم و حوا نیز این را می دانستند، زیرا خدا به آنها گفته بود:

- Adam and Eve knew that, too, for God had said to them,

- "زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش خواهی مُرد" (پیدایش، باب 2، آیه 17).

- "In the day that thou eatest thereof thou shalt surely die" (Genesis, chapter 2, verse 17)

The punishment

مجازات

- The serpent was punished for his part in causing the trouble. Adam and Eve were condemned to death, and driven out of the garden.
 - Although they lived a long time after this, Adam and his wife became dying creatures - and, just like us, they would get tired and sick, and at last grow old and die.
- مار بخاطر این که باعث دردسر شده بود، مجازات شد. آدم و حوا به مرگ محکوم شده و از باغ عدن بیرون رانده شدند.
 - هرچند که آنها برای مدتی طولانی بعد از این اتفاق زندگی کردند، اما آدم و همسرش مرگ را بوجود آوردند و آنها نیز درست مثل ما دچار خستگی، بیماری، پیری و مرگ شدند.

The punishment - return to dust

مجازات – بازگشت به خاک

- The words of God were certain - "Dust thou art, and unto dust shalt thou return" (Genesis, chapter 3, verse 19).
 - You will remember how, when God made Adam, He "breathed into his nostrils the breath of life; and man became a living soul" (Genesis, chapter 2, verse 7).
 - All human beings are 'living souls', but when they stop breathing, their life has gone - they become 'dead souls'.
- کلام خدا قطعی بود "... و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت" (پیدایش، باب 3، آیه 19).
 - حتماً به یاد دارید که چگونه خدا آدم را خلق کرد، او "و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد" (پیدایش، باب 2، آیه 7).
 - همه انسانها "نفس زنده" هستند، اما زمانی که از تنفس می ایستند، زندگی آنها از بین می رود و "نفس مرده" می شوند.

The dead know nothing

اما مردگان هیچ نمی دانند

- همانگونه که نویسنده کتاب جامعه می گوید:
- Ecclesiastes says:
- The dead know nothing
- "For the living know that they shall die: **but the dead know not any thing**, neither have they any more a reward; for the memory of them is forgotten. Also their love, and their hatred, and their envy, is now perished; neither have they any more a portion for ever in any thing that is done under the sun." (Ecclesiastes, chapter 9, verses 5-6).
- اما مردگان هیچ نمی دانند
- "از آنرو که زندگان می دانند که باید بمیرند، **اما مردگان هیچ نمی دانند** و برای ایشان دیگر اجرت نیست چونکه ذکر ایشان فراموش می شود. هم محبت و هم نفرت و حسد ایشان، حال نابود شده است و دیگر تا به ابد برای ایشان از هر آنچه زیر آفتاب کرده می شود، نصیبی نخواهد بود." (جامعه، باب 9، آیه 5-6).

**In the day we
die our
thoughts perish**

**در همان روز فکرهايمان نابود
می شود**

- Or, as we read in Psalm 146, verses 3-4,
 - يا همانگونه که ما در مزمور 146، آیه 3-4 می خوانيم
 - "بر رؤسا توکل مکنید و نه بر ابن آدم که نزد او اعانتی نیست. روح او بیرون می رود و او به خاک خود بر می گردد و در همان روز فکرهايش نابود می شود."

Sin and death in the world

گناه و مرگ در جهان

- The apostle Paul helps us to understand how this affects us. In Romans, chapter 5, verse 12, he says,

- "By one man sin entered into the world, and death by sin; and so death passed upon all men, for that all have sinned".

- پولس رسول به ما در درک چگونگی تأثیر این موضوع بر زندگی ما کمک می کند. او در رومیان، باب 5، آیه 12 می گوید:

- "وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه، همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسانها همه گناه کردند".

Like Adam we sin

همانند آدم ما نیز گناهکاریم

- Adam and Eve became sinners. We are their children, and so we are sinners too. Our very nature is a sinful nature; or as Paul puts it, we are by nature "children of disobedience".
- Adam و حوا گناهکار شدند. ما فرزندان آنها هستیم و در نتیجه ما نیز گناهکاریم. طبیعت ما، طبیعتی گناه آلود است، یا همانگونه که پولس می گوید، ما طبیعتاً "فرزندان نا اطاعتی" هستیم.
- Like our father, Adam, we sin, and, like him, we die.
- مانند پدرمان، آدم، گناه کردیم و مانند او نیز می میریم.
- It is not our fault that we have a sinful nature, and it certainly is not God's fault. It was Adam's fault, and our misfortune.
- این تقصیر ما نیست که طبیعتی گناه آلود داریم و قطعاً این موضوع تقصیر خدا هم نیست. این تقصیر آدم و بد بدختی ما بود.

Man angry with God?

- We are being very foolish if we blame God.
- Instead we should thank Him. We should thank Him because He has given us a chance to live at all, which we have no right to, really; and we should especially thank Him for giving us a way of escape from our hopeless plight.
- We are not blamed for being born with a sinful nature, but we deserve great blame if we neglect God's offer of a way of escape.

آیا انسان از خدا عصبانی است؟

- خیلی نادان هستیم اگر خدا را مقصّر بدانیم.
- در عوض باید او را شکر کنیم. باید از او متشکر باشیم که به ما یک شانس دوباره برای زندگی کردن داده است. شانس که به هیچ وجه استحقاق آنرا نداشتیم. و ما باید از او بطور ویژه تشکر کنیم زیرا او به ما راه فراری از گرفتاری های نا امید کننده ما به ما داده است.
- ما بخاطر متولد شدن با یک طبیعت گناه آلود مقصر نیستیم، اما اگر از راه فراری که خدا به ما پیشنهاد کرده است، غفلت کنیم، لایق سرزنش زیادی هستیم.

Summary

1. God made Adam from the dust of the ground.
2. He caused him to live, by breathing into his nostrils the breath of life.
3. God gave Adam a commandment. He told him that if he broke this commandment, the punishment would be death.
4. Adam and Eve broke God's commandment. They became dying creatures.
5. All men are descended from Adam; all are sinners, and all die.
6. 6. As we shall see in the next three lessons, Christ brought men a hope of life.

خلاصه

1. خدا آدم را از خاک زمین سرشت.
2. او با دمیدن روح زندگی در بینی او، به او زندگی بخشید.
3. خدا به آدم فرمانی داد و به او گفت که اگر نافرمانی کند، مجازاتش مرگ خواهد بود.
4. آدم و حوا فرمان خدا را زیر پا گذاشتند و مرگ را به زمین آوردند.
5. همه انسانها از نسل آدم هستند، همه گناهکارند و خواهند مرد.
6. همانطور که در 3 درس بعدی می بینیم، عیسی به بشر امید زندگی بخشید.